



از نگاه امام خامنه‌ای

چرا امام صادق علیه السلام به نهضت علمی روی آوردند؟

• سه بُعد مبارزه علمی امام صادق علیه السلام

به همین دلیل در دوران امام صادق علیه السلام آمادگی نسبی خاصی برای تشکیل حکومت و سپس تمدن اسلامی فراهم شد و این هدفی بود که خط کلی زندگی امام صادق علیه السلام را تشکیل می‌داد؛ همان‌گونه که خط و استراتژی کلی امامت این است، رهبر معظم انقلاب درباره این خط کلی فرموده‌اند: «استراتژی کلی امامت، ایجاد انقلاب توحیدی و علوی است. لازمه منطقی این خط‌مشی کلی، دعوتی همه‌گیر است در سراسر محیط عالم اسلام به تلطیف جو اشاعه فکر شیعی در همه اقطار»^۱.

حضرت صادق علیه السلام در سه بُعد برای تشکیل حکومت اسلامی و تأسیس تمدن اسلامی تلاش کرده و این سه محور را در دستور کار امامت چندین ساله خود قرار داده بودند؛ زیرا شرایط و اقتضائات خاص آن عصر، حضرت را مصمم به این تلاش می‌کرد. از طرفی، فرصت مناسب برای احیای امر امامت و ابراز حقیقت امامت پدید آمده بود. تشکیلاتی پنهانی و قوی نیز، تفکر شیعی را در اقصی نقاط سرزمین اسلامی گسترانده بود. همچنین زمینه بسیار خوبی برای ترویج علم ایجاد شده بود. این سه، همان نمودارهای بارز زندگی امام صادق علیه السلام است. حضرت در این سه بُعد، به مبارزه‌ای خستگی‌ناپذیر برخاستند و تا آخرین لحظات عمر شریفشان، دست از آن نکشیدند. ایشان به‌عنوان یک «مبارز» واقعی در این سه‌محور، به مبارزه با حکومت ستمگر وقت پرداختند و پایه‌های آن را تضعیف کردند تا پایه‌های حکومت اسلامی را پی‌ریزی کنند. رهبر معظم انقلاب به‌خوبی این سه بُعد را این‌گونه ترسیم کرده‌اند:

- تبیین و تبلیغ مسئله امامت؛
- تبلیغ و بیان احکام دین به‌شیوه فقه شیعی و نیز تفسیر قرآن به‌روای بینش شیعی؛
- وجود تشکیلات پنهانی ایدئولوژیک-سیاسی»^۲.

این سه نمودار «امام»، «امت» و «علم»، در واقع سه ضلع تشکیل حکومت و سپس تمدن اسلامی است. هرچند که اقتضائات خاص آن دوره ایجاب می‌کرد که امام صادق علیه السلام ضلع سوم تشکیل حکومت را «علم» قرار دهند؛ ولی واقعیت این است که علم، همیشه یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت در تشکیل نظام اسلامی بوده است. نکته مهم این است که حضرت در تمام این ابعاد، فرصت بسیار مناسبی برای تشکیل حکومت داشتند؛ بهترین فرصت برای تبیین مسئله امامت و رهبری فکری-سیاسی ائمه اطهار علیه السلام؛ امام علیه السلام بهترین فرصت را برای گسترش و استفاده از تشکیلات پنهانی شیعه و تربیت انسان‌های نخبه و صالح امت و نیز بهترین فرصت را برای توسعه علمی و معارف دینی ایجاد کردند و در اختیار داشتند.

• مرد مبارزه برای زمینه‌سازی حکومت اسلامی

رهبر انقلاب ماهیت نهضت علمی امام صادق علیه السلام را این‌گونه تبیین می‌کنند: «همه کسانی که فعالیت سیاسی امام را نادیده گرفته‌اند، بر این سخن هم‌داستانند که امام صادق علیه السلام وسیع‌ترین-یا یکی از وسیع‌ترین- حوزه‌های علمی و فقهی زمان خود را دارا بوده است. در این میان، چیزی که از نظر بیشترین کاوشگران زندگی امام علیه السلام پوشیده مانده است، مفهوم سیاسی و متعرضانه این عمل [است]»^۳.

زندگی سراسر مبارزه امام صادق علیه السلام را باید از این زاویه نگریست و در این صورت است که نقش ایشان به‌عنوان یک شخصیت مبارز جلوه می‌کند و آشکار می‌شود؛ منتها مبارزه‌ای در قالب «قدرت علمی». رهبر انقلاب نیز، بر نگاه از همین زاویه تأکید دارند و می‌فرمایند: «امام صادق علیه السلام مرد مبارزه

اشاره: در این نوشتار به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که چرا آن‌حضرت به نهضت علمی روی آوردند؟ در ادامه هم، به سؤال دوم پاسخ می‌دهیم که نهضت علمی حضرت چه ویژگی‌هایی داشت؟

دلیل ضرورت توجه به این بُعد آن هم با این نگاه، این است که توجه خاص حضرت به علم در چنین موقعیت زمانی، نشان‌گر این است که برای دستیابی به «قدرت» باید بر «علم» تکیه و جامعه اسلامی را با تکیه بر «علم» استوار کرد. دلیل دیگر ضرورت بحث در این بُعد، نگاه منفی عده‌ای به حقیقت علم است.

در دست قدرتمندان یا اشتغالی برای عمر بی‌ثمر این تبهکاران و تبه‌روزان تبدیل شده بود»^۴.

• قیام سیاسی یا جهاد علمی؟

این سیاست حکومت‌داران در استفاده از قدرت علم، امام صادق علیه السلام را بر آن داشت تا با تعمق و تدبیر در جوانب امور تصمیم مهمی بگیرند. حضرت با باید وارد کار سیاسی و مبارزه علنی می‌شدند -که با توجه به آماده نبودن کامل شرایط آن زمان، چه‌بسا به یک انتحار سیاسی دست بزنند- یا اینکه به یک انقلاب صامت و بنیادی روی آورند. رهبر انقلاب با توجه به اوضاع آن زمان، دو تصمیم و تکلیف مهم پیش روی امام را این‌گونه تبیین می‌کنند:

- «نخست، تبیین و تطبیق و تفسیر مکتب که خود متضمن مبارزه با تحریف‌ها و دستکاری‌های جاهلانه و مغرضانه است.
- آنگاه پی‌ریزی و زمینه‌سازی نظام قسط و حق توحید و در صورت وجود چنین نظامی، دوام بخشیدن به آن».

اکنون در چنین اوضاع و احوال نابه‌سامانی، امام صادق علیه السلام بار این امانت را بر دوش می‌گیرد و عهددار آن دو تکلیف می‌شود. در آن واحد، هر دو وظیفه در برابر ایشان قرار گرفته است. به کدام زودتر اقدام خواهد کرد؟ درست است که کار سیاسی، دشواری‌های فراوان دارد [...] ولی کار فکری -یعنی مبارزه با تحریف- درحقیقت بریدن شاهرگ دستگاه خلافت است؛ دستگاهی که جز با تکیه بر دین انحرافی، توان بودن و ماندنش نیست»^۵.

• وابستگی علما به حاکمان ستمگر

نکته مهم دیگری که بحث را روشن‌تر می‌کند، این است که حاکمان ستمگر چه نیازی به حضور دانشمندان در حکومت خود داشتند و اصولاً وجود «علم» در دربار و نظام حکومت‌داری آن‌ها چه نقشی داشت؟ رهبر انقلاب دلیل درباری شدن برخی علما و دانشمندان در دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس را این‌طور بیان می‌کنند:

- «زمامداران که از آگاهی‌های دینی بسیار کم‌نصیب و گاه به‌کلی بی‌نصیب بودند، در صدد برآمدند که این کمبود را به‌وسیله رجال دینی وابسته به خود تأمین کنند و با الحاق فقها و مفسران و محدثان مزدور به دستگاه حکومت خود، این دستگاه را باز هم، ترکیبی از دین و سیاست سازند. ۲. اینان طبق میل و فرمان زمامدار ستم‌پیشه و مستبد، به‌سهولت می‌توانستند، احکام دین را به‌اقتضای مصالح تغییر و تبدیل داده و در پوششی از استنباط و اجتهاد -که برای مردم عادی و عامی قابل تشخیص نیست- حکم خدا را به‌خاطر خدایگان دگرگون سازند»^۶.

• مبارزه با عقاید و فرقه‌های انحرافی

تا اینجا به نقش علمی علمای درباری در حکومت‌داری حاکمان ظلم اشاره کردیم. از طرفی می‌دانیم که دوران امام صادق علیه السلام دوران فرقه‌ها، نحله‌ها، دانش‌ها و عالمان دروغین نیز بود. پیدایش علوم انحرافی و فرقه‌های گمراه‌کننده در جامعه اسلامی، خطر بزرگی بود که اصل اسلام را تهدید می‌کرد. مبارزه آن‌حضرت با این تفکرات و دانش‌های انحرافی به‌همین دلیل بود که حکومت از آنها حمایت می‌کرد؛ وگرنه خود آنها نمی‌توانستند، این قدر



بود [...] مبارزه برای قبضه کردن حکومت و قدرت و به وجود آوردن حکومت اسلامی و علوی؛ یعنی امام صادق علیه السلام زمینه را آماده می‌کرد تا بنی‌امیه را از بین ببرد و به جای آنها حکومت علوی را -که همان حکومت راستین اسلامی است- بر سر کار بیاورد»^۷.

• چرا امام صادق علیه السلام به نهضت علمی روی آوردند؟

یکی از روشن‌ترین دلایل روی‌آوری امام صادق علیه السلام به نهضت علمی، این است که «زمان امام صادق علیه السلام، یک نهضت علمی و فکری و فرهنگی عظیم و جنگ عقاید شروع شده بود که نه قبش و نه بعدش همچون نهضت عظیمی وجود نداشت. به‌قول یکی از مورخین، مسلمانان در این وقت، از میدان جنگ و لشکرکشی، متوجه فتح دروازه‌های علم و فرهنگ شدند. مردم تحت تأثیر تشویق‌های قرآن و پیامبر ﷺ به علم‌آموزی و تعقل قرار گرفته بودند. نهضت‌های علمی و فکری بیش از نهضت‌های سیاسی وجود داشت. علوم اسلامی در حالت تدوین بود. دعوی امویان و عباسیان فرصتی طلایی را به وجود آورده بود. در میان مسلمانان یک شور و هیجان برای فهمیدن و تحقیق پیدا شده بود [...] همه اینها ایجاب می‌کرد که شخصی مثل امام صادق علیه السلام این جبهه را رهبری کند و بساط تعلیم و ارشاد خود را بگستراند»^۸. اما مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل روی‌آوری امام صادق علیه السلام به این نهضت، نکته‌ای است که تأکید داریم، از این زاویه به آن نگاه شود؛ یعنی مبارزه علمی و جهاد علمی حضرت برای تشکیل حکومت اسلامی و سپس تمدن اسلامی. این نکته را با مقدمه‌ای از رهبر انقلاب روشن‌تر می‌کنیم: «رجال روحانی، قضات، محدثان و مفسران [...] به ابزاری

در جامعه به تبلیغ بپردازند. دلیل حمایت حاکمان غاصب نیز مشخص است. بنی‌عباس برای از بین بردن آثار فضائل اهل بیت علیه السلام و مخدوش کردن چهره آنان، از این‌گونه علوم و افکار انحرافی حمایت می‌کردند تا جایی که حتی زناده نیز، با حمایت دربار به تبلیغ کفر و الحاد می‌پرداختند. برخی از این فرقه‌ها و علوم عبارت بودند از: مرجئه (قاتلان به کفایت ایمان بدون عمل)، زناده (ملحدان و بی‌دینان)، غالیان (قاتلان به الوهیت ائمه علیه السلام).

• خارج کردن «علم» از دست غاصبان قدرت

این چنین است که امام صادق علیه السلام با درک دقیق اوضاع و بصیرت کامل، به نهضت علمی روی آوردند و برای اینکه حکومت خود را بنا کنند، باید ابتدا حکومت کفر را ساقط کنند و از آنجایی که «قدرت علم»، یکی از اوضاع و پایه‌های مهم حکومت ستمگران بود، امام صادق علیه السلام با روی‌آوری به نهضت علمی، علاوه بر اینکه به این ضلع از حکومت جور می‌تاختند، زمینه‌تشکیل حکومت‌شان بر پایه قدرت علمی اسلامی را نیز مهیا می‌کردند: «امام صادق علیه السلام با گستردن بساط علمی و بیان فقه و معارف اسلامی و تفسیر قرآن به‌شیوه‌ای غیر از شیوه عالمان وابسته به حکومت، عملاً به معارضه با آن دستگاه برخاسته بود. آن‌حضرت بدین‌وسیله تمام تشکیلات مذهبی و فقهات رسمی را -که یک ضلع مهم حکومت خلفا به‌شمار می‌آمد- تخطئه می‌کرد و دستگاه حکومت را از بُعد مذهبی اش تهی دست می‌ساخت»^۹.

آنچه این زاویه دید را تأیید می‌کند، اقداماتی است که حکومت ظلم دقیقاً بر خلاف برنامه‌های امام صادق علیه السلام و برای مقابله با ایشان انجام می‌داد؛ آنجا که از پیشرفت قدرت علمی امام صادق علیه السلام هراسان می‌شد و پایه‌های قدرت علمی خود را متزلزل می‌یافت. رهبر انقلاب در این‌باره می‌فرمایند: «سران دستگاه خلافت به نقش مؤثر این مبارزه غیرمستقیم توجه می‌داشته‌اند. تهدیدها و فشارها و سخت‌گیری‌های نامحدود منصور نسبت به فعالیت‌های آموزشی و فقهی امام علیه السلام که در بسی روایات تاریخی از آن یاد شده، از جمله ناشی از همین توجه و احساس بوده است و نیز تأکید و اصرار فراوان وی بر گردآوردن فقهای معروف حجاز و عراق در مقر حکومت خود -که باز مضمون چندین روایت تاریخی است- از احساس همین نیاز نشأت می‌گرفته است»^{۱۰}.

پس امام علیه السلام در صدد براندازی ضلع سوم حکومت غاصبان یعنی «علم» بودند. آنها با تکیه بر قدرت علم، پیشرفت و قدرت سیاسی خود را تثبیت می‌کردند. به‌همین دلیل آشکار است که امام صادق علیه السلام یک مبارز و مجاهد علمی و خستگی‌ناپذیر بودند تا این ضلع قدرت را از دست حکومت ستمگران خارج کنند.

- منبع: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
-
- پی‌نوشت‌ها
۱. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۶، پیشوای صادق علیه السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵۲؛
 ۲. همان، ص ۶۰؛
 ۳. همان، ص ۷۷؛
 ۴. سخنان آیت‌الله خامنه‌ای با موضوع زندگی امام صادق علیه السلام (۱۳۵۹/۶/۱۴)؛
 ۵. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۲۷؛
 ۶. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۶، پیشوای صادق علیه السلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵۰؛
 ۷. همان، ص ۵۱؛
 ۸. همان، ص ۷۸؛
 ۹. همان، صص ۷۹ و ۸۰؛
 ۱۰. همان، ص ۸۰.